

از تعدیل تا معادل‌یابی

رضا ناظمیان و زهره قربانی^{*۲}

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۰۱)

چکیده

معادل‌یابی واژگانی یک فعالیت ذهنی است که در لایه‌های مختلف ذهن صورت می‌گیرد. معادل‌یابی و ترجمه در سطح اولین لایه ذهن، کار مترجم نوآموزی است که هنوز در کار ترجمه تجربه‌ای نیندوخته است و تحت تأثیر ترجمه متون کهن یاد گرفته که معنای هر کلمه را زیر آن کلمه بنویسد و هراس دارد که معنای کلمه را به دقت واریسی کند و مترادف‌هایی را که به ذهنش می‌رسد، در متن ترجمه بیاورد. این مقاله در پی آن است تا راهکارهایی را برای روان و شیوا کردن متن ترجمه در عین صحت و دقت آن به دست دهد، به طوری که پیچیدگی‌ها و ناآشنایی‌ها و ابهام‌های به وجود آمده در نثر ترجمه را بزدايد و خواننده ترجمه همان لذت را از خواندن متن ترجمه ببرد که خواننده متن اصلی از آن می‌برد. از مهم‌ترین این راهکارها می‌توان به تبدیل ساختار اسمی به فعلی و برعکس، تبدیل فعل به قید، ترکیب وصفی به اضافی، جز به کل و برعکس، مثبت به منفی و بیان ساده به تصویری و تصویری به تصویری و... اشاره کرد. هدف از شیوه‌های معادل‌یابی ارایه شده در این مقاله آن است که سلطه و سیطره متن اصلی بر خواننده تا حد ممکن کم شود.

واژگان کلیدی: معادل‌یابی، معادل‌یابی پویا، تعدیل، اشتراک، انتقال.

* Email: Zohreh_GH1988@yahoo.com

مقدمه

یکی از اصول مهمی که در هر ترجمه‌ای مطرح می‌شود، انتخاب معادل‌های دقیق و مناسب در برگرداندن پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد است که با عنوان معادل‌یابی ذکر می‌شود؛ بدین معنی که مترجم مفهوم یا پیام را از جمله و ساختاری که نویسنده پیام مورد نظر خود را از طریق آن بیان کرده می‌گیرد و آن را از طریق جمله یا ساختاری که در زبان مقصد قابل قبول و پذیرفتنی باشد، به خواننده خود ارائه می‌دهد و طبیعی است که ویژگی‌های ساختاری و دستوری زبان مبدأ را نادیده می‌گیرد و توالی و ترتیب ساختار جمله‌ها را رعایت نمی‌کند. شاید بتوان پرسید چرا به راهی نرویم که متن مبدأ رفته است و چرا جمله را مانند متن مبدأ آرایش نکنیم؟ در جواب باید گفت: اگر افسار نثر ترجمه را به متن مبدأ بسپاریم و مقید به پیمودن پیچ‌وخم‌هایی باشیم که در متن مبدأ وجود دارد، غیر از زبان‌هایی که به زبان مقصد وارد می‌آورد، نوعی پیچیدگی، ناآشنایی و ابهام در نثر ترجمه احساس خواهد شد و از آن بوی ترجمه شنیده می‌شود. رعایت ترتیب جمله‌های پایه و پیرو در زبان مبدأ و ویژگی‌های ساختاری و دستوری آن نیز از مسائلی است که در ذهن چنین فردی حک شده است، گویی متن عربی همچون قطاری است که مترجم را بر روی خط آهنی که برای آن طراحی شده به پیش می‌برد، بی‌آنکه مترجم بتواند تغییر یا انعطافی در شیوه یا مسیر حرکت به وجود آورد. حال آنکه مترجم این چنین دست و پابسته نیست و حق دارد تغییر یا انعطافی را در شیوه حرکت به وجود آورد؛ تغییرهایی که مقصد و هدف را عوض نمی‌کند، بلکه به شیوه رسیدن به هدف تنوع می‌بخشد و باعث می‌شود خواننده با سرعت، انگیزه و تحسین بیشتری متن را بخواند. بدین ترتیب، سعی می‌شود در این مقاله از انواع معادل‌یابی، شیوه‌های رسیدن به یک معادل صحیح و نکته‌هایی که یک مترجم به هنگام ترجمه در نظر می‌گیرد، سخن گفته شود و با پاسخ به پرسش‌های زیر به علاقمندان این حوزه کمک کند.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- معادل‌یابی و انواع آن چیست؟
- ۲- معادل‌یابی به چه شیوه‌هایی صورت می‌گیرد؟
- ۳- چه نکته‌هایی در دستیابی به یک معادل دقیق و صحیح رعایت می‌شود؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- معادل‌یابی، ترجمه‌های مختلف یک واژه یا ترکیب یا تعبیر است که به ذهن مترجم خطور می‌کند و به معادل‌یابی قالب‌پذیر و قالب‌ناپذیر تقسیم می‌شود.
- ۲- معادل‌یابی به سه شیوه اشتراک، تعدیل و انتقال صورت می‌گیرد.
- ۳- از جمله نکته‌هایی که هر مترجم باید آن را مورد دقت قرار دهد، آگاهی از معانی مختلف یک واژه و معادل‌های آشنای آن در زبان فارسی و توجه به بافت هر جمله است.

پیشینه پژوهش

در کتاب درباره ترجمه که برگزیده مقالات نشر دانش است و نیز کتاب *از پست و بلند ترجمه* اثر کریم امامی اشاره‌های اساسی به معادل‌یابی شده است، اما به دقت به لایه‌های معنایی کلمه و دلایل انتخاب واژه به عنوان معادل، اشاره مستقیم و برجسته‌ای نشده است و کتاب *گفتمان و ترجمه* از علی صلح‌جو مباحث مربوط به معادل‌یابی و دقت در معادل‌ها بیان شده است و از ویژگی‌های فرهنگی متن مبدأ به تفصیل سخن گفته شده است، اما این تلاش‌ها بیشتر در حوزه زبان انگلیسی است و جزئی‌نگری مقاله حاضر را ندارد. همچنین در *معادل‌یابی در ترجمه متون مطبوعاتی* نوشته ناصر نامور به نکات مختلف که در معادل‌یابی باید در نظر گرفت، اشاره شده است، اما مثال‌های آن برگرفته از متون انگلیسی است. مقاله *«معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون مطبوعاتی»* نوشته سید محمد حسینی معصوم نیز نمونه‌هایی از ترجمه متون تجاری و تبلیغاتی را از دیدگاه شیوه معادل‌یابی بررسی می‌کند. مقاله *«بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه»* نوشته واله ولی‌پور به بررسی نظریه‌های معادل‌یابی که از سوی نظریه‌پردازان بدعت‌گذار مثل نایدا، تابر، هاووس و... در این زمینه ارائه شده، پرداخته است. همچنین مقاله *«بررسی مشکلات معادل‌یابی واژگان قرآنی و مذهبی در زبان انگلیسی»* نوشته‌الخاص ویسی به پیچیدگی و دقیق بودن فرایند معادل‌یابی پرداخته است و با ذکر مثال‌های متعدّد از ترجمه‌های *قرآن کریم*، علل این پیچیدگی را مورد بررسی قرار داده است. وجه تمایز مقاله حاضر با موارد نامبرده این است که به موضوع معادل‌یابی با ذکر مثال‌هایی از متون مطبوعاتی پرداخته است.

روش پژوهش

روش تحقیق، تحلیلی - توصیفی است؛ بدین معنا که فنون معادل‌یابی در لایه‌های ذهن تحلیل و استخراج شده است و آنگاه به شیوه توصیفی بیان و با سایر نمونه‌ها مقایسه می‌شود. لازم به یادآوری است که تحقیق کنونی درباره معادل‌یابی، جامع و مانع نیست، بلکه راه در زمینه فن ترجمه و معادل‌یابی بسیار است و این نوشته گامی کوچک در این راه دراز به شمار می‌آید.

معادل‌یابی و انواع آن

در ابتدا باید گفت هر ترجمه آمیزه‌ای است از «معادل‌های پویا» (یا قالب‌ناپذیر) و معادل‌هایی که «قالب‌پذیر» هستند. معادل‌های قالب‌پذیر، معادل‌هایی هستند که اصولاً دارای ویژگی ثابت و همیشگی می‌باشند و می‌توان مستقل از شرایط، همین معادل‌ها را انتخاب کرد و در شرایط مختلف قابل استفاده هستند؛ مانند همه اسمی خاص، اعداد و ارقام، نام‌های جغرافیایی، نام روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، نمایشنامه‌ها و فیلم‌ها، نام شرکت‌ها و مؤسسه‌های خصوصی، نام مؤسسه‌های دولتی و نیز نام خیابان‌ها و نشانی‌ها و... بدین ترتیب، معادل‌های قالب‌پذیر معادل‌های اجباری هستند که همیشه و در هر شرایط می‌توان از آنها استفاده کرد. برعکس «معادل پویا» آفرینشی است در ارتباط با شرایط و به عبارت بهتر، موقت است؛ زیرا هر بار کشف می‌شود (ر.ک؛ کردوانی، ۱۳۶۷: ۵۸-۵۶). بنابراین، این معادل‌های پویا هستند که قابل تغییر هستند و ما در پی آنیم تا نکات کلیدی در این باره و شیوه‌های انجام آن را بیان کنیم.

فنون معادل‌یابی پویا

۱- اولین نکته‌ای که هنگام معادل‌یابی واژگانی مد نظر قرار می‌گیرد، این است که مترجم معادل‌های مختلف یک واژه یا ترکیب یا تعبیر را در گنجینه ذهن خود بیابد و آنها را یک‌به‌یک همنشین واژه مورد نظر در متن قرار دهد و ببیند که کدامیک از این معادل‌ها سازگارتر و طبیعی‌تر است و با روح زبان فارسی هماهنگی بیشتری دارد (ر.ک؛ همان: ۶۰)؛ به عنوان مثال «تدابیر امریکیه جدیدة» را در عنوان خبر در نظر بگیرید. نمی‌توان گفت: «تدابیر تازه آمریکا»؛ زیرا در

مطبوعات ایران، تدابیر معمولاً با کلمهٔ امنیتی هم‌نشین است و ترکیب «تدابیر امنیتی» به گوش ما آشنا تر است. لذا از کلمات دیگری نظیر چاره‌اندیشی‌ها، راهکارها، سیاست‌ها و برنامه‌ها استفاده می‌کنیم. هرچند ممکن است برخی از آنها دقیقاً معادل «تدابیر» نباشند، ولی هماهنگ‌تر و طبیعی‌تر به نظر می‌آیند.

۲- وقتی مترجم با یک کلمه یا یک ساختار دستوری در متن مبدأ برخورد می‌کند، اگر حدود معنای کلمه را بداند، بی‌درنگ معادلی به ذهنش می‌رسد که معمولاً اولین معنای آن کلمه است، ولی اگر اندکی دقت و تأمل به خرج دهد و گنجینهٔ ذهن خود را بکاود، به معادل‌های دیگری برخورد می‌کند که هرچند اندکی از معنای اولیّهٔ کلمه دور می‌شوند، اما زیبا و در عین حال، طبیعی هستند و به شیوایی و استواری نثر ترجمه کمک می‌کنند. برای آنکه مراحل جستجو و کنکاش در لایه‌های ذهن احساس گردد و به نوعی بتوان آن را تجربه کرد، به مثال‌های زیر که غالباً بیانی تصویری، کنایی و استعاری دارد، توجه گردد. شایان ذکر است که اولاً معادل سوم و چهارم با توجه به بافت متن انتخاب شده است و ثانیاً همهٔ این معادل‌ها اگر در جای خود به کار رود، می‌تواند درست باشد:



بنابراین، به معادل‌یابی در سطح اولین لایهٔ ذهن اکتفا نمی‌کنیم و اولین معادل را که به ذهن ما می‌آید، نمی‌نویسیم، بلکه با کنکاش در گنجینهٔ حافظه، معادل‌هایی زیباتر و مناسب‌تر را می‌یابیم (ر.ک؛ لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۶: ۸۴).

۳- توجه به بافت جمله: معادل‌سازی برای تعابیر، معمولاً با توجه به بافت جمله صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که مترجم ببیند در قالب بیانی یا ساختاری که در زبان فارسی برای ترجمه جمله عربی انتخاب می‌کند، چه معادلی برای تعبیر مورد نظر، مناسب‌تر است (ر.ک؛ همان: ۹۵). به این جمله توجه کنید: «إنَّ المنطقه تتطلع إلى موقف دولي متوازن يحدّد الأشياء بمسمّياتها لا الدوران عليها». «تتطلع» به معنای «چشم می‌دوزد» است، اما با توجه به بافت جمله فارسی، «امید بستن» مناسب‌تر است. «يحدّد الأشياء بمسمّياتها» به معنای هر چیزی را به مفهوم آن - نه با ظاهر آن - سنجیدن است. «همه چیز را به درستی تعریف کردن» و «واقع‌گرایانه برخورد کردن» معادل‌هایی است که با توجه به بافت جمله به ذهن می‌رسد. «الدوران علی شیء» به معنای «دور زدن چیزی و فریب دادن و نیرنگ زدن» است. به این ترجمه پیشنهادی دقت کنید که چگونه معادل‌ها بر اساس بافت متن انتخاب شده است: «منطقه به موضع‌گیری بین‌المللی متعادلی امید بسته است که واقع‌گرایانه باشد نه فریبکارانه!».

۴- آگاهی مترجم از اختلاف‌های دقیق معنایی میان کلمات و مترادف‌های نزدیک (ر.ک؛ کبیری، ۱۳۷۴: ۸۰).

۵- استفاده از معادل‌های آشنا در زبان فارسی که یکی از شیوه‌های روان‌سازی متن ترجمه است. معادل آشنا معادلی است که شاید در فرهنگ‌های لغت ذکر نشده باشد و معنای مستقیم و لفظ به لفظ عبارت زبان مبدأ نباشد، ولی مترجم اطمینان دارد که این معادل، منظور نویسنده را به خوبی می‌رساند و علاوه بر این، باعث روانی و شیوایی متن می‌شود.

به این جمله و ترجمه‌های آن توجه کنید:

- «لأنّه ثبت مع الأیام أنّ «اسرائیل» لاتفهم إلاّ لغة المساءلة و العقاب».

الف) زیرا با روزها ثابت شده است که اسرائیل جز زبان بازجویی و مجازات را نمی‌فهمد.

ب) تجربه نشان داده است که اسرائیل فقط زبان زور و قدرت را می‌فهمد.

برای تعبیر «ثبت مع الأیام» چنین معادل‌هایی به ذهن می‌آید:

الف) با روزها ثابت شده است.

ب) گذشت روزگاران ثابت کرده است.

ج) زمان نشان داده است.

د) تجربه نشان داده است.

از این میان، معادل چهارم که در زبان فارسی آشنا تر و طبیعی تر است، با اندکی دقت و حوصله به ذهن می‌آید.

شیوه‌های معادل‌یابی

هر زبان عناصر واژگانی، ساختارهای دستوری، ترکیب‌ها، تعبیرها و اصطلاحات خاصی دارد که ترجمه مستقیم آنها در بسیاری از موارد ممکن نیست؛ به عبارت دیگر، متن ترجمه گاه عناصری را در بر دارد که در زبان اصلی نیز وجود داشته، عیناً و به صورت لفظ به لفظ ترجمه شده است. گاهی اوقات نیز مجبور می‌شویم برخی از ساختارهای واژگانی و دستوری متن مبدأ را تغییر دهیم تا در زبان مقصد، قابل فهم و مأنوس باشند، چنان‌که امکان دارد برخی واژه‌ها و ساختارها را عیناً وارد زبان مبدأ کنیم که این کار آگاهانه و بر اساس شناخت امکانات زبان مقصد صورت می‌گیرد. بر این اساس، معادل‌یابی در سه سطح اشتراک، تعدیل و انتقال صورت می‌گیرد (ر.ک؛ ترجمه متون ادبی: ۲۵).

۱- اشتراک

معادل‌یابی در سطح اشتراک، ترجمه مستقیم عناصر واژگانی، معنایی و دستوری زبان مبدأ است؛ زیرا در هر دو زبان وجود دارند. معادل‌یابی این عناصر به معنای جایگزین کردن آنها با عناصری مشابه در زبان مقصد است. زبان فارسی و عربی به دلیل همانندی‌های فرهنگی و منطقه‌ای که دارند، از اشتراک‌های زیادی در سطح واژگان، نحو، ترکیب‌ها و ویژگی‌های فرهنگی برخوردارند. به متن زیر و ترجمه آن نگاه کنید و ویژگی اشتراک در زبان‌ها و دیگر عناصر نحوی و نیز توالی جمله‌ها را در دو زبان ملاحظه کنید:

«حاول المحقق عبثاً أن ينتزع مني أسراراً عسكريّة، و كنتُ أعرف كثيرة عن قطعاننا و أسلحتنا و أماكن تجمّعنا، فعاملني بمُنْتَه اللُّطف، كَمَنْ يَضَعُ الطَّعْمَ فِي المَصِيدَةِ، لَكِنْ مُحاولته باءت بالخيبة. وجاءت الجلسة الأخيرة من جلسات التحقيق و عليها يَتَوَقَّفُ مَصيري، و خشيتُ أن تَهْنَقواي و أضعف تحت ظروف التحقيق و أساليبه فأقول شيئاً دون رغبة أو إرادة... و فكرتُ مليّاً، قَلْبْتُ الأَمْرَ على وجوهه، و خطر لي خاطرٌ سيِّئٌ رافقه اشمئزاز، و النَّفسُ أَمارة بالسَّوء، قلتُ في نفسي: لِمَ لا أتكلّم قليلاً؟ أقول لهم أشياء و أدلي بمعلومات لا تُضُرُّ!» (عقله عرسان، ۱۹۹۱م: ۲۵).

ترجمه: «باز جو بیهوده سعی داشت اسرار نظامی را از من بیرون بکشد. من مطالب زیادی دربارهٔ ساز و برگ نظامی، اسلحه و اماکن تجمع نیروهایمان می‌دانستم. از این رو، او با مهربانی کامل با من برخورد کرد؛ درست مثل کسی که طعمه را در دام می‌گذارد، اما تلاش او به جایی نمی‌رسد. آخرین جلسهٔ تحقیق که سرنوشت مرا مشخص می‌کرد، فراسید. ترسیدم زیر فشار بازجویی و شیوه‌های آن نیروی تحلیل برود و دچار ضعف بشوم و بی‌آن که بخواهم و قصدی داشته باشم، چیزی بگویم... خیلی فکر کردم و این موضوع را از زوایای مختلف بررسی کردم. فکر بدی به ذهنم رسید که با تنفر همراه بود، البته نفس انسان همواره به کارهای بد فرمان می‌دهد. با خودم گفتم: چرا چند کلمه‌ای سخن نگویم؟ چیزهایی را به آنها می‌گویم و اطلاعاتی در اختیارشان می‌گذارم که ضرری ندارد...».

چنان‌که می‌بینید انواع ماضی و مضارع و قیدهایی نظیر «ملياً، خاطر سيئ و رافقه الإشمئزاز...» و نیز ترکیب‌های وصفی مانند «أسراراً عسكريّة» و ترکیب‌های اضافی چون «أماكن تجمّعنا» و تعبیرهایی چون «باءت بالخيبة» و «قَلْبْتُ الأَمْرَ على وجوهه» در فارسی و عربی کاملاً مشترک هستند و عیناً به فارسی ترجمه شده‌اند و نیازی به تعدیل اسلوب یا حذف و اضافه نبوده است.

۲- تعدیل^۱

تعدیل در سطوح مختلف آن لازمهٔ ترجمه است؛ زیرا امکانات بیانی و قابلیت‌های نحوی زبان‌ها با یکدیگر متفاوت است و هر زبان سرشار از نکته‌ها و رموز و ظرایف حقیقی و مجازی، قیاسی و

سماعی، دستوری و کاربردی است که در امر معادل‌یابی، تعدیل را برای مترجم اجتناب‌ناپذیر می‌کند. به دیگر سخن، آرایش نحوی زبان‌ها با هم تفاوت دارد و امکان ندارد ترجمه لفظ به لفظ همه بخش‌های یک متن، مفهوم و رسا باشد. نشان دادن ساختار واژگانی و نحوی زبان مبدأ در زبان مقصد به طور قطع به قیمت نارسایی مفهومی و پیامی آن متن تمام خواهد شد و هر مترجم از این امر که «پیام در چارچوب‌های مأنوس درک می‌شود، نه در ساختارهای کاملاً غریبه» باخبر است (ر.ک؛ صلح‌جو، ۱۳۸۸: ۵۲).

مترجم برای ترجمه متن آن را می‌فهمد و مقصود آن را درک می‌کند و آنگاه آن را به زبان مقصد بازگو می‌کند. گاهی اوقات مترجم برای درک متن مجبور می‌شود آن را تفسیر کند و برای منطقی جلوه دادن تفسیر خود از متن اصلی، از منطق و استدلال کمک می‌گیرد. همه اینها باعث می‌شود تا متن ترجمه شده ساده‌تر از متن اصلی باشد و موارد پیچیده و مشکل، آسان و قابل فهم شود.

مهم‌ترین عامل در فرایند ساده کردن متن، عامل تعدیل است. به نظر می‌رسد نمی‌توان همه موارد تعدیل را شناسایی کرد و برشمرد و شاید اصلاً چنین کاری ضرورتی نداشته باشد؛ زیرا چنان‌که گفته شد، تعدیل در ذات ترجمه هست و مترجم از آغاز تا انجام عمل ترجمه همواره در حال انجام تعدیل است و نیز حتی در متونی که زبان مبدأ و مقصد اشتراک بسیاری دارند، باز هم تعدیل‌های جزئی و کوچک صورت می‌گیرد. پدیده تعدیل در ترجمه به دو نوع تعدیل اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود. برای درک موارد تعدیل اجباری می‌توان به ترجمه متن قبل ارجاع داد که تعدیل ترتیب اجزای کلام (فارسی: فاعل + مفعول + فعل و عربی: فعل + فاعل + مفعول) و ایجاد تعدیل در ترجمه ترکیب‌های وصفی - اضافی نظیر: «أشجار الحدیقة الباسقة = درختان بلند باغ» از آن جمله است. این تغییرها به خاطر تفاوت‌هایی که در زبان مبدأ و مقصد وجود دارد، به مترجم تحمیل می‌شود و گریزی از آنها نیست (ر.ک؛ فرحزاد، ۱۳۸۵: ۲۹۵). نکته اینجاست که اگر مترجم به ایجاد تعدیل‌های اجباری بسنده کند، متن ترجمه وی شاید از نظر زبان مقصد درست باشد، ولی از نظر سبک، ارایه معنا و پیام، قابلیت ایجاد ارتباط با مخاطب و نیز خواندنی بودن متن ترجمه توفیق چندانی ندارد. اما تعدیل‌های اختیاری بیشتر ناظر به ویژگی‌های سبکی و تفاوت‌های ظریف

معنایی و تلاش برای یافتن قالب‌های بیانی جافتاده و مقبول در زبان مقصد است. مهم‌ترین موارد تعدیل را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

الف) تعدیل در ساخت

تعدیل در ساخت یعنی ایجاد تعدیل در ساخت دستوری جملهٔ زبان مبدأ (ر.ک؛ سهیلی، ۱۳۶۶: ۲۰). به دو نمونه از این نوع تعدیل توجه کنید:

* تبدیل ساختار اسمی به ساختار فعلی و یا برعکس

– «لَمَّا أَصْبَحَ الصَّبَاحُ اصْطَفَّتْ الْعَسَاكِرُ وَ بَرَزَ مِنَ الْأَعْدَاءِ فَارِسًا بِالْحَدِيدِ غَاطِسٌ».

«صبح‌هنگام (به جای وقتی صبح فرارسید) به مصاف هم رفتند و از میان دشمنان سوارکاری بیرون آمد که سراپا مسلح بود».

– «بِإِمَّاكِنَا أَنْ نَتَعَاوَنَ مَعَ زَمَلَانِنَا وَ نَسْهَمَ فِي الْأَنْشِطَةِ الْمَخْتَلِفَةِ».

«ما می‌توانیم (به جای امکان داشتن) با همکاران خود همیاری کنیم و در فعالیت‌های مختلف سهیم باشیم».

* تبدیل فعل به قید

– «هَلْ سَبَقَ أَنْ نَشْرَتَ مَقَالَةَ فِي هَذِهِ الْمَجَلَّةِ؟»

«آیا تاکنون (به جای: سابقه داشته است) مقاله‌ای را در این مجله چاپ کرده‌ای؟».

– «إِقَامَةُ قَوَاعِدٍ عَسْكَرِيَّةٍ أَطْلَسِيَّةٍ فِي لِيْبِيَا، تَأْتِي بَعْدَ الْقَاعِدَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ الَّتِي أَقِيمَتْ فِي دَوْلَةِ

جنوب السودان».

«لیبی پس از دولت جنوب سودان، دومین کشوری است که پایگاه‌های نظامی ناتو در آن ایجاد می‌شود».

* تبدیل شبه‌جمله به اسم منسوب

«عیون من زجاج: چشمان شیشه‌ای».

* تبدیل ترکیب وصفی به اضافی

«الشعب المصری: ملّت مصر».

ب) تعدیل در شیوه خطاب

تعدیل شیوه خطاب به معنای آن است که مترجم برای رسایی و شیوایی متن ترجمه، شیوه خطاب جمله یا زاویه دید نویسنده را تعدیل می‌کند (ر.ک؛ فرحزاد، ۱۳۸۵: ۱۷۱). به نمونه‌هایی از تعدیل خطاب بیان توجه کنید:

* تبدیل فعل مجهول به معلوم یا عکس آن

– «أعطیت وثیقة و أريد منّي أن أوقعها»

«سندی به من دادند و از من خواستند آن را امضا کنم».

* تبدیل جزء به کل یا عکس آن

– «لاشكَّ أن دائرة الاستقالة من المسؤولية التاريخية العربية و الإسلامية تجاه قضیة فلسطين قد جعلتها محاصرةً بالتهميش و النسيان».

«تردیدی نیست که شانه خالی کردن عرب‌ها و مسلمانان از مسئولیت تاریخی خود در برابر آرمان فلسطین باعث شده است که این آرمان در محاصره به حاشیه رانده شدن و فراموشی قرار بگیرد».
بدون تعدیل:

«تردیدی نیست که دایره استعفاء از مسئولیت تاریخی عربی و اسلامی در برابر مسأله فلسطین، آن را در محاصره به حاشیه رانده شدن و فراموشی قرار داده است».

* تبدیل عبارت مثبت به منفی یا عکس آن

– «یتمّ تجاهل الحديث عن صمود المناضلين في الحدود».

«از پایداری مبارزان در مرزها سخنی به میان نمی‌آید».

بدون تعدیل:

«پایداری مبارزان در مرزها نادیده گرفته می‌شود».

– «لیس علیه أن لایهتم بالضيوف الجدد».

«او می‌تواند به مهمانان جدید توجه کند».

بدون تعدیل:

«او نباید به مهمانان جدید توجه نکند».

* استفاده از اسم ذات به جای اسم معنا و عکس آن

– «قَرَّرَ الاحتلالُ حَظَرَ التجوالِ فی المدینة من الغروب إلى الصّباح».

«نیروهای اشغالگر تصمیم گرفتند از غروب تا صبح ممنوعیت رفت و آمد را در شهر به اجرا

درآورند».

– «سَيُواجهُ الشّارعُ المِصری تداعیات هذه الكارثة بِتَجَلُّدٍ و مُثابرة».

«افکار عمومی مصر با صبر و استقامت با پیامدهای این فاجعه مقابله خواهد کرد».

ج) تعدیل بلاغی

تعدیل بلاغی به معنای تلاش برای بازآفرینی وفادارانه متن اصلی در زبان مقصد با استفاده از آرایه‌های متفاوت است تا تأثیری مشابه تأثیر متن اصلی را در خواننده ترجمه ایجاد کند. ایجاد این تعدیل نه تنها در فرایند آرایه پیام و معنا خلل وارد نمی‌کند، بلکه می‌تواند باعث برجستگی و نمود بیشتر معنا و پیام شود. تعدیل بلاغی را بیشتر در ترجمه امثال و تعابیر و کنایات و عبارات آمیخته با تصویر می‌توان دید (ر.ک؛ لطفی‌پور ساعد، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۱). در این نوع از تعدیل، بیان ساده به بیان تصویری، اعم از مجازی، استعاری، کنایی و نیز عکس آن تبدیل می‌شود، همچنان‌که واژه عام به خاص یا برعکس ترجمه می‌شود:

* بیان ساده به تصویری

«جَدَّ جمیله: زیبایی او را انکار کرد، [ناسپاسی کرد]: نمک خورد و نمکدان شکست.

«أُبْعَضُ مِنَ الشَّيْبِ إِلَى الْغَوَانِي: منفورتر از پیر برای زنان زیباروی و خنیاگر: زن جوان را تیری به پهلو به که پیری».

* بیان تصویری به تصویری

«صَرَّحَ الْمَخْضُ عَنِ الزُّبْدِ: شیر یا مایع خالص از کف جدا شد: ماه از پشت ابر بیرون آمد».
«كَلَّفَهُ مَخَّ الْبَعُوضَةِ: مغز پشه را از او خواست: او را دنبال نخود سیاه فرستاد، او را دست به سر کرد، او را سر کار گذاشت».

* بیان تصویری به ساده

«خُتِمَ عَلَى قَلْبِهِ: بر دلش مهر زده شد: قدرت درک و فهم ندارد».
«نَكَّسَ أَعْلَامَهُ: پرچم‌هایش را شکست: تسلیم شد».

* ترجمه واژه‌های خاص به واژه‌های عام یا برعکس

– «تَسَرَّبَتِ الْمَعْلُومَاتُ مِنَ الصَّحِيفَةِ: اطلاعات از روزنامه به بیرون نفوذ کرد».
واژه خاص «درز کردن» به واژه عام «نفوذ کردن» ترجمه شده است.
– «تَفَرَّضُ عَلَيْكَ هَذَا الْأُسْبُوعُ تَضَحِيَاتٍ مَادِّيَّةٍ قَدْ تَكُونُ مُضَايِقَةً: این هفته خسارت‌های مادی را به تو تحمیل خواهد کرد که شاید تو را در تنگنا قرار دهد».
واژه «تضحیات» به معنای «قربانی کردن» است که در این جمله به معنای عام «خسارت دیدن» ترجمه شده است.

(د) تعدیل حجم

گاه مترجم برای انتقال دقیق معنا یا پیام و یا ایجاد صراحت و وضوح بیشتر، وادار به افزایش یا کاهش حجم می‌شود (ر.ک؛ سهیلی، ۱۳۶۶: ۱۵ و عرب، ۱۳۷۶: ۱۷). البته واضح است که باید در جریان این تعدیل حجم، آسیبی به معنا و مفهوم نرسد؛ زیرا همه تلاش‌ها در راستای آرایه بهتر و رساتر معنا صورت می‌گیرد. نمونه‌هایی از تعدیل حجم به شرح ذیل است:

* ابهام‌زدایی از متن مبدأ

– «إن الهیستریا الاستیطان الّتی تَعْمُ الأرض الفلستینیة الْمُحتلّة من أقصاها إلى أقصاها، تُؤكّد أن العدو الصهیونی لیس معنیاً بالسلام: جنون شهرک‌سازی که سراسر فلسطین اشغالی را از قدس گرفته تا دورترین نقطه این سرزمین فراگرفته، بیانگر آن است که دشمن صهیونیستی به دنبال صلح و آرامش نیست».

* تقطیع جمله

– «إن قَمّة أوبک الّتی تَنعقد فی الذّکری الخمسین لتشکیل المُنظمة و وسط إعلام غربی مُکثّف یلقى اللّوم علی المُنظمة فی ارتفاع الأسعار، تَتحمّل مسؤولیة کبیرة فی صیانة ثروة شعوبها: کنفرانس آپک که در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان آپک برگزار می‌شود، مسئولیت بزرگی را در حفظ و صیانت از ثروت مردم کشورهای نفت‌خیز بر عهده دارد. برگزاری این کنفرانس با تبلیغات گسترده غربی‌ها همزمان است که تقصیر بالارفتن بهای نفت را بر گردن این سازمان می‌اندازند».

* آوردن کلمات توضیحی

– «أقبل ابن سینا علی دراسة الطبّ و ما تُرجم عن الیونان».

«ابن سینا به فراگیری طبّ و کتاب‌هایی که از زبان یونانی ترجمه شده بود، روی آورد».

– «الحیة اللندیة: الحیة چاپ لندن».

* به لفظ درآوردن برخی اشاره‌ها و تلویح‌ها

– «ثمّة نکتة رائجة فی مصر تقول إنّ الرّیس مبارک التّقی الرّیسین جمال عبدالناصر و

السادات فی السّموات العلی، فسألاه: سَمّ أم مینصّة؟ فردّ علیهم باقتضاب قائلاً: فیس بوک».

«لطیفه‌ای در مصر بر سر زبانهاست که می‌گوید رئیس جمهور مبارک در جهان آخرت با رؤسای جمهور پیشین مصر جمال عبدالناصر و انور سادات دیدار کرد. آن دو از او پرسیدند: زهر خوردی یا ترور شدی؟ وی به اختصار پاسخ داد: فیس بوک».

* ذکر مرجع ضماین

– «و رگزت انتباهها علی معامل تولید الطّاقة و معامل تکریر النّفط و هما وراء زهاء أربعین فی المئة من الإنبعثات فی الولايات المتّحدة: این دولت همه توجّه خود را به کارخانه‌های تولید انرژی و پالایشگاه‌های نفت معطوف کرده است که عامل انتشار چهل درصد از گازهای گلخانه‌ای در آمریکا هستند».

۳- انتقال

انتقال آن است که یک واژه یا تعبیر و یا قالب بیانی به طور مستقیم از زبان مبدأ وارد زبان مقصد شود؛ زیرا در زبان مقصد معادلی برای چنین عناصری یافت نمی‌شود. از این رو، در متون ترجمه شده عناصری جدید و ناآشنا به شمار می‌آیند و اهل زبان در متون تألیفی و در زبان گفتاری خود آنها را به کار نمی‌برند (ر.ک؛ نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

انتقال در دوره معاصر معمولاً از زبان‌های اروپایی، به‌ویژه انگلیسی صورت می‌گیرد، اما انتقال از زبان عربی به فارسی بیشتر در مفاهیم دینی و مربوط به مسایل عقیدتی است که در دوره‌های گذشته رخ داده است؛ مثلاً یکی از موارد انتقال از عربی به فارسی انتقال «اسلوب نفی»، «إلّا»، «نفی» و «حتی» است:

– «ما جاء إلّا سعید = کسی جز سعید نیامد».

– «لم یکد یدخل الصّف حتّی رأی سعیداً = به محض این که وارد کلاس شد، سعید را

دید».

یادآوری می‌شود که در متون جدید انتقال از عربی به فارسی بسیار اندک است.

– «انتفاضه، عملیات انتحاری» دو نمونه از انتقال واژگانی است که بیشتر درباره آنها سخن

گفتیم.

هدف از شیوه‌های معادل‌یابی

هدف از شیوه‌های معادل‌یابی آن است که سلطه و سیطره متن اصلی بر خواننده کم شده یا از بین برود. هرچه تجربه و مهارت مترجم در کار برگرداندن از زبان اصلی بیشتر باشد و هرچه آشنایی بیشتری با موضوع متن داشته باشد، در رهایی از تأثیر متن اصلی بر متن ترجمه موفق‌تر است. این تأثیرگذاری اغلب وقتی پیش می‌آید که مترجم سعی دارد در مقابل هر کلمه یا جمله متن اصلی، یک کلمه یا جمله را قرار دهد و از افزودن کمی کلمات پرهیز می‌کند، حال آنکه معنا غالباً وسیع‌تر از آن است که در زبان مقصد در قالبی مشابه بیان شود. از این رو، معنا را می‌توان در قالبی دیگر بیان کرد، هرچند از الفاظ بیشتری استفاده شود. با این وصف، حتی در معادل‌یابی در سطح اشتراک که عناصر بیانی زبان مبدأ با عناصر مشابه در زبان مقصد جایگزین می‌شوند نیز انتظار نمی‌رود که شمار کلمات و شکل بیان در دو زبان کاملاً همانند باشد، چه رسد به معادل‌یابی در سطح تعدیل که سخن از جستجو برای یافتن قالب‌هایی آشنا و مأنوس در زبان مقصد است تا جای ساختارهای ناآشنا و غریبه متن مبدأ بنشینند.

نتیجه‌گیری

- ۱- از معادل‌یابی می‌توان به عنوان ترجمه غیرمستقیم یاد کرد.
- ۲- معادل‌یابی در چارچوب خاصی انجام می‌شود.
- ۳- معادل‌یابی در رسایی و شیوایی هرچه بهتر متن کمک شایانی می‌کند.
- ۴- معادل‌یابی کمک می‌کند تا بوی ترجمه از متن برنخیزد.
- ۵- معادل‌یابی پویا در سه سطح اشتراک، تعدیل و انتقال صورت می‌گیرد.
- ۶- تعدیل دارای انواعی است که عبارتند از: تعدیل در ساخت، تعدیل در شیوه ساخت، تعدیل بلاغی و تعدیل در حجم.
- ۷- واژگان علاوه بر معنای ملموس و آشنا دارای معنای تجربی و همایشی نیز می‌باشند.
- ۸- مترجم پیام زبان مبدأ را تعیین و برای آرایه آن در زبان مقصد معادل‌های مناسبی پیدا می‌کند.
- ۹- مترجم علاوه بر آشنایی از زبان مبدأ و مقصد باید تمام معادل‌های مختلف و مترادف‌های یک واژه را در گنجینه ذهن خود داشته باشد.

۱۰- این تصوّر که فرایند ترجمه، تعیین واژه‌های معادل در زبان مقصد برای واژگان زبان مبدأ است، غلط و ناپیچاست.

پی‌نوشت

۱- اصطلاح تعدیل از (صلح‌جو، ۱۳۸۸: ۵۸) گرفته شده است و به نظر می‌آید از واژه «تغییر» مناسب‌تر باشد.

۲- «طفره رفتن» اعم از «استعفا دادن» است. افزون بر این، در این ترجمه، تکنیک استفاده از اسم ذات به جای اسم معنا نیز به کار رفته است و «عربی» و «اسلامی» به «عرب» و «مسلمان» ترجمه شده است. همچنین کلمه «محاصره» محاصره شده که ساخت اسمی دارد، به ساخت فعلی «در محاصره قرار بگیرد» ترجمه شده است. مترجم می‌تواند واژه «حلقه» را پیش از محاصره بیاورد تا ترجمه مستقیم «دایره» باشد، اما احساس می‌کند به جای آنکه به دقت یا روانی جمله کمک کند، باعث سنگینی آن می‌شود؛ زیرا سه مصدر «محاصره»، «به حاشیه رانده شدن» و «فراموشی» به اندازه کافی جمله را سنگین کرده است. از این رو، دلیلی برای ذکر آن ندیده است.

۳- اسم ذات در جهان خارج قابل تحقق است و می‌توان آن را مشاهده کرد، ولی اسم معنا چنین نیست؛ مثلاً اشغالگران را در جهان خارج می‌توان دید، اما اشغالگری را نمی‌توان به چشم مشاهده کرد.

۴- تا آنجا که تحقیق کردیم و با اهل فن در زبان فارسی پهلوی رایجی شد، فارسی میانه با این دو اسلوب بیگانه است. کلمه «جز» که در حقیقت «جدا از» می‌باشد، به مفهوم «جدا جدا» به کار رفته است. بدیهی است که ایرانیان به دلیل شیفتگی به قرآن و قداستی که برای آن قایل بوده و هستند، الگوهای نحوی و بیانی به کار رفته در قرآن را وارد زبان فارسی کرده‌اند.

منابع و مآخذ

حسن، محمد عبدالغنی. (۱۳۷۶). «فن ترجمه در ادبیات عربی». ترجمه عباس عرب. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.

سهیلی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). «افزایش و کاهش در ترجمه». فصلنامه ترجمه. ش ۳ و ۴.

شاتلورت، مارک. (۱۳۸۵). «فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه». ترجمه فرزانه فرحزاد و غلامرضا تجویدی. چاپ اول. تهران: یلدا قلم.

صلح‌جو، علی. (۱۳۸۸). «گفتمان و ترجمه». چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز.
 عقله عرسان، علی. (۱۹۹۱ م.). «صمود مقاتل». دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
 فرحزاد، فرزانه و دیگران. (۱۳۸۵). «فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه». چاپ اول. تهران: یلدا قلم.

فهیم، منصور و سعید سبزیان. «دوره آموزش فنون ترجمه». تهران: رهنما.
 کاظمی اسفه، ابراهیم. (۱۳۶۷). «ترجمه چیست (۳)». فصلنامه ترجمه. ش ۵.
 کبیری، قاسم. (۱۳۷۴). «اصول و روش ترجمه». چاپ اول. تهران: رهنما.
 کردوانی، کاظم. (۱۳۶۷). «ترجمه کردن را بیاموزیم». فصلنامه ترجمه. ش ۵.
 لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۶). «درآمدی به اصول و روش ترجمه». تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 نیومارک، پیترو. (۱۳۷۲). «دوره آموزش فنون ترجمه». ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی